

## الگوی سازمانی ما و آنچه طرفداران نه - تشکیلات خواهان آن هستند

روبن مارکاریان

یک مقدمه کوتاه! حزب بلشویک بر مبنای الگویی که لندن در ارتباط با سازماندهی تشکل حزبی برای مبارز شرایط استبداد ارانه می دهد می تواند در طی هفده سال، طبقه کارگر را در روسیه تزاری به شکل موفق تا پیر انقلاب اکتبر و نیز پیروزی در جنگ داخلی و تثبیت اولین دولت کارگری هدایت کند. در طی این مدت حزب بلش که جناح اصلی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه است به لحاظ زندگی درون حزبی تشکلی است زنده، پرت با مباحثات درونی که در اکثر موارد خصلت علنی دارد و نیز آزادی فراکسیون هانی که در این یا آن مورد بر سر آن مسئله شکل می گیرند. سخن کوتاه! از یک سو انضباط و اراده واحد برای مبارزه در سخت ترین شرایط است و از سوی دیگر دمکراسی درون حزبی فراگیر و گسترده خصلت نمای این الگوی حزبی است.

منع فراکسیون در جنبش کمونیستی!

کنگره دهم حزب بلشویک با منع فراکسیون ها نقطه پایانی می گذارد بر دمکراسی درون حزبی. بدین ترتیب ش را برای عروج استالینسم و تبدیل حزب به حزبی تک صدائی و مومبانی فراهم می سازد. انترناسیونال کمونیست عروج استالینسم این الگو را به الگوی اکثریت قریب به اتفاق احزاب کمونیستی مبدل می کند. فراکسیون به انضباط شکنی، نقض اراده واحد حزبی به تابو مبدل می شود. فراتر از آن، چون احزاب سوسیال دمکرات و جریانات تروتسکیستی سنت آزادی فراکسیون را ادامه می دهند الگوی استالینسم "آزادی فراکسیون" را جزء نظام فکری سوسیال دمکراسی یا رفرمیسم سوسیال دمکراتیک و نیز تروتسکیسم دانسته و آن را انحرافی غیر انکار و بیگانه با مارکسیسم قلمداد می کند. پیروزی هانی که احزاب کمونیست در مبارزه علیه فاشیسم (کمونیست ایتالیا، فرانسه ...) و استعمار (احزاب کمونیست چین، ویتنام ...) بدست میاورند خود به تقویت استالینی و سنگوارگی تابوی فراکسیون مبدل می شود. اگر چه در همه این احزاب فراکسیون ها به صورت مخپشت پرده شکل گرفته و گسست ها در رهبری به صورت کودتا های فراکسیون های مخفی در می آید، اما منبکسیون یک گاو مقدس است!

فراکسیون در سنت تروتسکیستی!

با شکل گیری تروتسکیسم در برابر استالینسم، تروتسکی الگوی حزب بلشویک قبل از کنگره دهم را به الگوی حزبی بر می گزیند. در این الگو فراکسیون ها خصلت موقت و مشخص دارند و نه خصلت ثابت و پایدار. نظر الگوی حزبی تروتسکیسم، فراکسیون های پایدار در طول زمان تحزب را ناممکن ساخته و موضوعیت حزبی را از بین می برند. به این ترتیب در تشکل ها و احزاب تروتسکیستی تنها فراکسیونهای موقت، مورد مشخص تحمل می شود.

فراکسیون و احزاب و تشکل های جدید سوسیالیستی!

در دهه نود قرن گذشته احزاب توده ای جدیدی در خارج از الگوهای سنتی قبلی پا به عرصه وجود می نهند. کارگران برزیل، حزب تجدید بنای کمونیستی و ... از جمله شاخص ترین این ها عبارتند از: حزب کارگران برزیل: بخشهایی از جنبش سندیکائی، جنبش های اجتماعی، تشکل های چپ رادیکال و تشکل چپ سنتی که هر یک نقش معینی در پیکار علیه دیکتاتوری نظامی داشته اند این حزب را به وجود می آورند حزب از فراکسیون های پایداری به وجود می آید که هر یک دارای ویژگی های معین ایدئولوژیک و سیاسی هستند بنابراین خصلت فراکسیونی آنها نسبتاً پایدار است.

"حزب تجدید بنای کمونیستی": پس از فروپاشی حزب کمونیست ایتالیا با شرکت گرایش هانی از حزب کمونیست ایتالیا، بخشی از جنبش اتحادیه ای ایتالیا، جریانات رادیکالی نظیر "ایل مانیفستو" و چند گرایش تروتسکیستی می گیرد و خود را به صورت شش فراکسیون رسمی سامان می دهد.

بدین ترتیب الگوی این نوع احزاب جدید، الگویی است که از فراکسیون های ثابت - که هر یک در گذشته یک تشکیلاتی مستقلی داشته اند- تشکیل می شود اما علیرغم ساختار فراکسیونی در صحنه سیاسی به مثابه حز اراده واحد مبارزاتی ظاهر می شود.

در سال 1370 هنگامی که در حال تدوین اساسنامه سازمان بودیم کمیسیون ویژه ای برای تدوین فراکسیون اند شد که من عضو و مسئول آن بودم. ما اساس کارمان را نقد الگوی استالینستی، بازگشت به سنت لنینی قبل از دهم، جذب عناصر مثبت سنت تروتسکیستی و مهم تر از همه بررسی الگوی احزاب جدید قرار دادیم. از نظر الگوی "احزاب جدید سوسیالیستی" می توانست الگوی مناسبی برای تجدید آرایش حزبی جنبش کمونیستی په فروپاشی سوسیالیسم موجود باشد. بنابراین ما مبنای کارمان را برای فراکسیون ها الهام از این الگو قرار داد در تدوین مقررات فراکسیون بعضاً "مقررات فراکسیونی آنها را عیناً" وارد مقررات مربوط به فراکسیون

اساسنامه سازمان کردیم. بدین ترتیب اساسنامه ما به مثابه تنظیم کننده مناسبات درون حزبی، برشی است رادیکال سنت استالیستی همراه با پذیرش حداکثر دموکراسی درونی تا حد فراکسیون های ثابت و پایدار (با توجه به ادعای احزاب جدید سوسیالیستی) که ظرفیت هم زیستی گرایشات گوناگون را در چهارچوبی کاملاً "دمکراتیک" تأمین کند.

پس از کنگره اول در سازمان ما دو فراکسیون شکل گرفت که حقوق فراکسیونی آنها به گسترده ترین شکل مه که در تجربه حزب در ایران بی سابقه بوده است- رعایت گردیده است.

آیا مضحک نیست که در سازمانی با چنین الگوی حزبی، ساختار و تجربه ای ناگهان عده ای مطرح می کنند فضای سانسور و خفقان بر سازمان حاکم شده است. و جالب است که اکثریت کمیته مرکزی یعنی مدیریت تشکیلات در شمار همین مدعیان قرار دارند؟

الگوی حزبی نی که طرفداران نامه سرگشاده مطرح می کنند!

الگوی سازمانی ارائه شده توسط نامه سرگشاده، الگوی "نه سازمان" و یا به بیان روشن تر انحلال سازمان برنامه سرگشاده گفته می شود که مصوبات سازمان به نام خودسازمان و با امضاء ارگانهایش اعلام میشود. دیدگاه حذف شده و نوشته ها با امضاء فردی انعکاس نقطه نظر افراد خواهند بود و "نه سازمان"! یعنی سازمان به یک گزارش سیاسی سالانه و احیاناً یک یا چند قطعه نامه، چندین اعلامیه موردی مانند تبریک سال نو، ماه مه، هشت مارس، روز شهادت سازمان، کشتار 67، و چند اعلامیه در محکومیت دستگیریه و اعتراض سرکوب ها و..... (مواضعی که نه تنها همه چپ ها در اکثر آنها مشترک هستند و مثلاً "جز چند حتی بخش دمکرات ها و لیبرال ها را هم در بر می گیرد)... می شود.

بر مبنای این الگو، در سایت و نشریه سازمان که تریبون های رسمی سازمان هستند یکی از تشکل اتحادیه ای کرده آنرا در نوشته های خود تبلیغ و ترویج می کند، دیگری همین تشکل را بوروکراتیسم و مظهر تسلط ابر انسان می داند (مانند تجربه پارلمان در قرن بیستم)... یکی می گوید که تشکل ها ی توده ای کارگری با اساس درخواست های بی واسطه توده کار و زحمت شکل گیرد، دیگر کارگران سندیکای شرکت واحد را برای آ چرا سندیکا را بر اساس لغو کارمزدوری شکل نداده اند به نقد می کشد و رفرمیسم آنها را افشاء می کند... یکی گوید که "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"، دیگری می گوید که تشکل هر نوع تشکل جز تشکل خطی بازه نظام سرمایه داری است... یکی می گوید انتخابات تحریم است دیگری می گوید باید در انتخابات شرکت کرد.... است ترجمان تر تشکیلاتی نامه سرگشاده که مطرح می کند در سازمان ما باید "حرکت در جهت های گوناگون و متضاد تاکتیکی" ممکن باشد!

به بیان روشن تر، برای اجرای تشکیلاتی که در جهت های تاکتیکی متضاد حرکت می کند، تریبون ها و ارگان رسمی سازمان باید منحل و به ستون آزاد مبدل شوند. و اولین اقدام در این راستا حذف "دیدگاه" یا "ستون آ" به مثابه نماد الگوی تشکیلاتی موجود است. الگویی که در بیست سال گذشته ضمن جای دادن گسترده ترین نظری ممکن، این تنوع نظری را در چهارچوب سازمانی رزمنده که دارای سیمای هویت، استراتژی و تاکتیک دوره ای شفاف و روشنی است، آرایش داده است.

آری، ما به تاسی از الگوی حزب سوسیالیستی بر آن بوده ایم که تریبون های متعلق به سازمان محل تبلیغ و تر نقطه نظرات سازمان است (اعم از بیانیه ها، اعلامیه ها، مصوبات و یا مقالاتی که با امضای فردی مواضع سازمان تبلیغ و ترویج می کنند) و ستون آزاد و یا ستون دیدگاه محل انعکاس نقطه نظرات افراد (که به هر دلیلی هنوز نقطه نظرات مورد پذیرش سازمان مبدل نشده اند و یا نیازی هم نیست که در آن موارد نقطه نظر سازمانی داشته باشد).

برخی از رفقای مدافع این نظر می گویند باید خود مراجعه کننده شعور کافی برای تشخیص داشته باشد! یعنی مر کننده موظف است که برای دست یافتن به نظرات سازمان یا تمامی مصوبات سازمان راه کارگر را حفظ باشد و تمامی اسناد سازمان راه کارگر مراجعه کنند (از کنگره اول تا 13 که بخش زیادی از آنها متاسفانه در دسترس ن ( تا بدانکه فلان نظر، نظر سازمان است و یا نظر فرد. سنوال این است که چنین افراد همه دانی چه نیاز مراجعه به ارگان های سازمان خواهند داشت؟ و این که آیا این شیوه بی وظیفه کردن یک سازمان و تجزیه آن به و تبدیل ارگان های رسمی سازمان به جنگ نیست؟

اگر در شرایطی غیر از موقعیت انقلابی تبلیغ و ترویج یکی از مولفه های اصلی فعالیت سازمان است و اگر در ش تبعید اهمیت آن به مراتب افزایش می یابد پس یک سازمان اساساً در تبلیغ و ترویج تاکتیک ها، استراتژی و بر اش موجودیت می یابد. تردیدی نیست که این تبلیغ و ترویج توسط اعضای آن سازمان و در تریبون های متعد سازمان انجام شده و هر مراجعه کننده ای و یا هر مخاطبی خواهد دانست که آن سازمان در موارد مختلف مواضع را مطرح می کند. "ستون دیدگاه" و یا "ستون آزاد" نیز نشان می دهد که نقطه نظر مطرح نظر فردی و هنوز بهر دلیل به نظر سازمان مبدل نشده است.

این آن ساختار رسانه است که ما تا کنون داشته ایم. اما همانطور که در بالا دیدیم نامه سرگشاده تیر خلاصه شقیقه این ساختار شلیک میکند برای آن که راه کارگر را به سازمانی مبدل کند که در آن به طور همزمان ش جهت های تاکتیکی مختلف میسر باشد.

سازمان پلورالیستی! پلورالیسم نام شبی است که توسط طرفداران "نه تشکیلات" گاه به عنوان تنوع نظر و گ عنوان تنوع برنامه ای مطرح می شود! رفقا مطرح می کنند که خواهان سازمانی پلورالیستی هستند؟! در توضیح دادم که ما فراکسیون های پایدار را نیز در ساختار خود پذیرفته و در دوره هانی نیز در سازمان ما فراک های ثابت با اختلاف برنامه ای چشم گیر با برنامه سازمان ما وجود داشته است چه برسد تنوع نظری که لاف هجده سال گذشته در سازمان ما امری نهادینه شده است ... پس مسئله چیست؟ رفقای مطرح کننده تش پلورالیستی خواب نما نشده اند و می خواهند چیز تازه ای را مطرح کنند. پس این نوآوری فراتر از تنوع نظری و آزادی تشکل های فراکسیون های پایدار است که در سازمان ما به کامل ترین شکل خود وجود داشته است. چ رفقا می خواهند با نام شب "پلورالیسم" بیان کنند نه فقط به طور همزمان شنا در جهت های تاکتیکی مخالف امکان حرکت در جهات های مختلف استراتژیک و برنامه ای و به بیان دیگر جایگزین کردن تشکل جبهه ای به تشکل حزبی است.

خلاصه آن که دیدگاه در این جا نه یک تمهید در سازمان دهی تنها رسانه سازمان بلکه اسم شبی است برای از سازمان و تبدیل آن به "نه سازمان" البته با حفظ نام سازمان به عنوان یک سرمایه سیاسی مشترک. این ال است که مثلاً در سازمان اکثریت اکنون عمل می کند. جناح فرخ نگهدار در لندن با آخوند های طراز اول ملاقات می کند، جناح سلیمی با رضا پهلوی در برلین نرد می بازد و جناح کریمی با حزب دمکرات، حزب کوه ایران، اتحاد فدائیان خلق و .. ائتلاف تشکیل می دهد. این ها کنگره های دارند که دور هم می نشینند و تصمیمات می گیرند اما مطلقاً هر کس آزاد است که هر حرفی که دارد به نام اکثریت بزند و در هر جهت تاکتیکی و برنامه که ترجیح می دهد شنا کند... اکثریت تنها یک نام است یک سرمایه مشترک که هر کس در دادو ستدهای سیاسی از آن بهره می گیرد...

چرا فرهنگ و روش خشونت؟

ر. تقی روزبه که از مدتها قبل (کنفراس کلن) مخالفت خود را با اصول تشکیلات حزبی مطرح کرده بود می دا که نظرش در سازمان ما خریدار ندارد (جز ر. پیران آزاد و چند تن دیگر)! اما در طول این چند سال نظرگا، تعمیق پیدا کرد. او اکنون همه الگوهای حزبی موجود را بوروکراتیک و باز تولیدگر نظام سرمایه داری دانس معتقد است که تحزب باید به تشکل جنبشی یا فوروومی باشد. در راستای این مسیر البته حذف دیدگاه و مبدل کردن تریبون سازمان به فورم گام بلندی به پیش است. برخورد سال پیش وی به مدد فرهنگ خشونت، اتهام، شخصیت - که در سازمان ما تا آن زمان حتی در شدیدترین بحرانهایش سابقه نداشته است- یک درخواست مش را مطرح می کرد. حذف دیدگاه! شکی نیست که تبدیل سایت و نشریه راه کارگر- به عنوان تنها رسانه های سازم که به نام راه کارگر مواضع ما را مطرح می کنند- به فوروم و یا یک جنگ، گام بلندی در مسیر انحلال طلبی است این الگو که از جنبش های ضد سرمایه داری جهانی گرفته شده است سازمان را به یک فوروومی مبدل می کند که وابسته به آن بر اساس اصول بسیار کلی گرد هم آمده اند. هر کسی می تواند در مسیری که خواست به لحاظ تاکا شنا کند و هر آن چه که خواست بنویسد و بگوید. اقدامات مشترک نتیجه توافقات مشترک از طریق اتفاق آرا: باشد....

اکنون اما ر. روزبه تنها نیست. ر. حسن حسام از سازمان دهندگان نامه سرگشاده با بکارگیری همان فر خشونت دقیقاً همان درخواست را مطرح می کند. این در حالی است که پس از کنگره 13 مباحثات درونی از بازبینی مجدد "ضوابط حاکم بر رسانه ها" در جریان بود. ناگهان تدارک دمکراتیک کنگره (که زمان و مکان از تعیین شده بود) از طریق یک اقدام کودتا گونه، قطع می شود. کودتائی که چهار عضو کمیته مرکزی سازمان اکثریت کمیته مرکزی سازمان) در میان آنها قرار دارند، امضاء کنندگان اعلام می کنند که یک گروه نا انسان، کمونیست و... نفس سازمان را بریده، رهبری در سایه درست کرده اند.... و اعلام می کنند که از پس به منویات رهبری در سایه تمکین نخواهد کرد... اعلام می کنند که نوعی از سازمان را می خواهد که بتوان به همزمان جهت های تاکتیکی مختلف شنا کرد.... و خواهان اجرای بلادرنگ یک درخواست مشخص میشوند! حذف بلا د ستون دیدگاه که مزاحم فعالیت آنان است!

روشهای مشابه برای دست یابی به اهداف مشابه! شاید رفقا بهتر می دانند که برای تحمیل "نه سازمان" ب کارگر ابتدا باید سرزمین سوخته مناسباتی به وجود آورد! اما آیا برای رفقا روشن نیست که "نه سازمان" درال سازمانی ما نمی گنجد و راه کارگر را نمی توان با این شیوه ها منحل کرد؟